

قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد در حقوق کیفری بین‌المللی

محمدجعفر حبیب‌زاده^{۱*}، محمدعلی اردبیلی^۲، مجتبی جانی‌پور^۳

۱- دانشیار دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

۲- استاد دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

۳- دانشجوی دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

پذیرش: ۸۴/۳/۸

دریافت: ۸۳/۳/۴

چکیده

قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد از قواعد مهم حقوق کیفری داخلی است. براساس این قاعده، کسی را نباید دوبار برای یک جرم محاکمه و مجازات کرد. این قاعده در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر مطرح شده است. قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد در اساسنامه دادگاههای کیفری بین‌المللی، اعم از نظامی، موقت و خاص و دائمی نیز پذیرفته شده است. تحولات حقوق کیفری بین‌المللی نشان می‌دهد که احساسات عمومی جهانی، تمایلی به تکرار محاکمه و اجرای مجازات نسبت به رفتار مجرمانه واحد ندارد. صلاحیت دادگاه کیفری بین‌المللی دائمی، تکمیلی است و بر این اساس، اگر دادگاههای ملی به‌طور کامل و با رعایت اصول دادرسی عادلانه، اقدام به رسیدگی کنند، دلیلی برای پذیرش صلاحیت دادگاه بین‌المللی وجود ندارد و در این صورت، محاکمه و مجازات مجدد منتفی است. اگر دادگاههای داخلی، اصول دادرسی عادلانه را مراعات نکنند، دادگاه بین‌المللی خود را صالح به رسیدگی می‌داند. این اقدام دادگاه بین‌المللی موجب نقض قاعده منع محاکمه و مجازات نیست؛ زیرا رسیدگی دادگاه ملی، بدون رعایت اصول دادرسی شناخته شده بین‌المللی، محاکمه عادلانه و منصفانه تلقی نمی‌شود. مهمترین ایراد بر اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی دائمی در مقایسه با اساسنامه‌های دادگاههای کیفری بین‌المللی موقت این است که این دادگاه، در صدور حکم، ملزم به احتساب مجازات اعمال شده دادگاه ملی نیست و این امر به منزله نقض قاعده منع مجازات مجدد محسوب می‌شود.

کلید واژه‌ها: منع محاکمه و مجازات مجدد، دادگاه کیفری بین‌المللی، تقارن صلاحیتها.



۱- مقدمه

هر جامعه، هنجارهایی دارد که بخشی از آنها در حقوق، موضوع حکم قرار گرفته است. نقض هنجارهای اساسی، جرم تلقی می‌شود و برای مرتکب آن، واکنشهای کیفری پیش‌بینی شده است. براساس یک قاعده معقول و متعارف، هر که با ارتکاب عملی این هنجارها را نقض کند تنها یک بار باید تعقیب و مجازات شود. پذیرش قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد، در کشورهای مختلف، متفاوت است. به لحاظ اهمیت این قاعده، بعضی از کشورها از جمله ایالات متحده آمریکا [۱]، ص ۲۵۷؛ جمهوری فدرال آلمان [۲] و کانادا [۳، ص ۱۱۳] آن را در سطح فراتقنینی (قانون اساسی) خود پیش‌بینی کرده‌اند.

این قاعده با عناوین اعتبار امر مختوم^۱ [۴، ص ۴۰۳]؛ محکومیت یا برائت قبلی^۲ [۳، ص ۴] و منع مخاطره مجدد^۳ [۵، ص ۴۳۹] در حقوق کشورها شناخته شده است. در اساسنامه‌های دادگاههای کیفری بین‌المللی موقت یوگسلاوی سابق و رواندا از این قاعده با عنوان «non bis in idem» [۶] و در اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی با عنوان «ne bis in idem» [۷] یاد شده و در زبان عربی از آن تحت عنوان «عدم جواز المحاکمه عن الجرمه ذاتها مرتین» [۸] بحث می‌شود. مفهوم مختصر و مفید آن «منع دو بار برای یک امر» [۹، ص ۱۹] است.

این قاعده معمولاً در نتیجه تقارن مثبت صلاحیتها در سه سطح داخلی محض^۴، افقی^۵ (تقارن صلاحیتهای ملی و همچنین تقارن صلاحیتهای بین‌المللی) و عمودی^۶ (تقارن صلاحیتهای ملی و بین‌المللی) محقق می‌گردد [۱۰، ص ۸۹]. قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد، در سطح داخلی محض به لحاظ پیوند دادگاههای مختلف با حاکمیت واحد و وجود مراجع حل اختلاف صلاحیت با مشکل خاصی از سوی دولتها مواجه نمی‌گردد و در صورت حدوث محاکمه مجدد، مجازات اعمال شده کسر خواهد شد. دولتها در قوانین داخلی، صلاحیت کیفری خود را تعیین و مشخص می‌کنند و کلیه جرائمی را که در قلمرو حاکمیتشان به‌طور جزئی یا کلی واقع شده، یا مرتکب و بزه دیده آن، یکی از اتباعشان است و یا اینکه جرم علیه منافع اساسی و عالی آنها، اما خارج از قلمروشان صورت گرفته باشد، مورد رسیدگی قرار می‌دهند و مرتکبین را مجازات می‌کنند. به عبارت دیگر، گاهی در صحنه

۱. res judicata rule

۲. autrefois convict/acquit

۳. against double jeopardy

۴. not twice for the same thing

۵. pure internal

۶. horizontal

۷. vertical

بین‌المللی، به علت وجود یک عنصر خارجی، مانند تابعیت، بحث تعدد صلاحیت پیش می‌آید و دو یا چند دولت خود را صالح و ذینفع در رسیدگی به جرائم و اعمال مجازات می‌دانند. در این صورت بیم آن می‌رود که فردی به سبب ارتکاب یک جرم، از سوی دو کشور دو بار مورد محاکمه و مجازات قرار گیرد [۱۱، ص ۲]. در بعضی از معاهدات دو جانبه یا منطقه‌ای، راههایی برای حل این‌گونه تعارض صلاحیتها پیش‌بینی شده است [۱۲].

قوانین ملی، اعم از اساسی و عادی، معاهدات بین‌المللی، اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر و نیز بعضی از قطعنامه‌های سازمان ملل متحد در باب تضمین رعایت قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد معمولاً به حفظ نظم حقوقی در سطح داخلی توجه دارند [۱۳، ص ۲۴۴]. تأیید و شناسایی رابطه قاعده مورد بحث با نظم بین‌المللی از طریق تصویب اساسنامه‌های دادگاههای کیفری بین‌المللی موقت و اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی دائمی مورد توجه قرار گرفته است. ایجاد نهادهای کیفری بین‌المللی و صلاحیت آنها نسبت به جرائم خاص، مانند کشتار جمعی، جرائم علیه بشریت و جرائم جنگی مانع از این امر نیست که دادگاههای ملی نیز مرتکبین این جرائم را تحت تعقیب قرار دهند. از این رو، محاکمه و مجازات مجدد امکان‌پذیر است و باید راه حلی برای اعمال قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد در سطح عمودی پیدا کرد. در این سطح، قاعده به دو نوع منع تعقیب مجدد تالی^۱ و منع تعقیب مجدد عالی^۲ تقسیم می‌شود. به موجب قاعده منع تعقیب مجدد تالی، در صورتی که دادگاه کیفری بین‌المللی به اتهام فردی رسیدگی و حکم مقتضی صادر کرد، دادگاههای ملی مجاز به تعقیب مجدد متهم نسبت به همان عمل نیستند. بر عکس، قاعده منع تعقیب مجدد عالی، بدین معنا است که هرگاه دادگاههای ملی مبادرت به رسیدگی و صدور حکم نسبت به اتهام شخصی کردند، دادگاه کیفری بین‌المللی حق تعقیب مجدد ندارد.

تا دهه چهارم قرن بیستم، تعارض صلاحیت در سطح عمودی مطرح نبوده است. با تشکیل دادگاه نظامی بین‌المللی نورنبرگ در سال ۱۹۴۵ این قاعده در ماده ۱۱ منشور لندن در سطح محدود پذیرفته شد. به موجب این ماده، تعقیب مجدد افراد، نسبت به جرم عضویت در سازمانها و گروههای مجرمانه توسط دادگاههای ملی منع شده است. قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد در دهه آخر قرن بیستم در اساسنامه‌های دادگاههای کیفری بین‌المللی موقت و دائمی نیز پیش‌بینی گردیده است.

به‌طور کلی، آزادی فردی، حمایت از افراد در برابر سوء استفاده از قدرت دولتها، حمایت از حقوق بشر [۱۴، ص ۷۰۷]، اصل عدالت، اصل تناسب، اعتبار امر مختوم و نظم و آرامش اجتماعی از جمله

۱. downward ne bis in idem

۲. upward ne bis in idem



دلایلی است که برای توجیه این قاعده ذکر کرده‌اند [۱۵، ص ۷۲۸].
در این مقاله فقط سطح سوم قاعده، یعنی تقارن عمودی صلاحیتهای ملی و بین‌المللی و قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد بین‌المللی^۱ به تفصیل در سه مبحث خاستگاه، موجبات تحقق، و آثار و ضمانت اجرای قاعده تبیین شده و مآلاً به این سؤالات پاسخ داده می‌شود:
۱. آیا اثر سطح عمودی صلاحیت دادگاه کیفری بین‌المللی نسبت به دادگاههای دیگر با اجرای قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد معارض است؟
۲. آیا تضمینی برای اجرای این قاعده توسط مراجع بین‌المللی و ملی وجود دارد؟

۲- خاستگاه قاعده

گاهی افراد با رفتار و اعمال خود اصول جامعه بین‌المللی و صلح و امنیت بشری را نقض می‌کنند. جامعه بین‌المللی برای پیشگیری از این امر و دفاع از نظم بین‌المللی با جرم انگاشتن رفتارهای معین در صدد تعقیب، محاکمه و مجازات جنایتکاران برمی‌آید. در اغلب اساسنامه‌های مراجع کیفری بین‌المللی، رعایت قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد همواره در ردیف اصول اساسی حقوق کیفری، مانند اصل برائت و اصل عطف به ماسبق نشدن قوانین کیفری و سایر اصول دادرسی منصفانه^۲ تضمین کننده حقوق افراد، مورد تأکید قرار گرفته است.

۲-۱- دادگاههای کیفری بین‌المللی موقت یا خاص^۲

قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد بین‌المللی از اصول کلی و عام مربوط به صلاحیت مثبت قضایی به شمار می‌رود [۱۶، ص ۲۴۸]. هر گاه متهم قبلاً برای رفتاری که موضوع شکایت علیه او در دادگاه بین‌المللی بوده، مورد محاکمه قرار گیرد، قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد جهت اجتناب از تعقیب مجدد همان رفتار نسبت به همان متهم اعمال می‌گردد؛ زیرا براساس اصول حقوق بشر، تعقیب و رسیدگی مجدد نسبت به متهم غیرعادلانه است. مسأله منع محاکمه و مجازات مجدد، ملاحظات حقوق بشری را جهت ایجاد مرکزی برای نظام جدید عدالت کیفری بین‌المللی برمی‌انگیزاند تا نسبت به لزوم و ضرورت پرداختن به اصول حقوق بشر بین‌المللی حساس باشد [۱۶، ص ۲۵۰]. این دادگاهها که در اساسنامه آنها قاعده مورد بحث به صراحت ذکر شده، به صورت ویژه و موقت دارای صلاحیت رسیدگی و صدور حکم نسبت به جنایات بین‌المللی هستند. سند تأسیس آنها توسط

^۱. international ne bis in idem

^۲. ad hoc

دولت‌های پیروز جنگ (دادگاه نظامی نورنبرگ)، قطعنامه‌های شورای امنیت (دادگاه‌های کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا) و یا موافقت سازمان ملل متحد با یک دولت معین (مثل دادگاه بین‌المللی اختصاصی سیرالئون) به تصویب رسیده است.

۲-۱-۱- دادگاه نظامی نورنبرگ

چهار دولت بزرگ پیروز در جنگ جهانی دوم (ایالات متحده آمریکا، اتحاد جماهیر شوروی، انگلستان و فرانسه) پس از تسلیم آلمان، زمام اختیار این کشور را به دست گرفتند و برای رسیدگی به جرائم ارتکاب یافته در اروپا به موجب موافقتنامه ۸ اوت ۱۹۴۵ لندن، دادگاه نظامی بین‌المللی نورنبرگ را تأسیس کردند [۱۷، ص ۱۶۱]. جرائم احصا شده در ماده ۶ منشور پیوست این موافقتنامه عبارتند از: جرائم علیه صلح، جرائم علیه بشریت و جرائم جنگی و توطئه فقط در قسمت جرائم علیه صلح جرمی مستقل شناخته شد. همچنین ماده ۹ اساسنامه پیش‌بینی کرده بود که دادگاه می‌تواند پاره‌ای از سازمانها را که متهمین به آن وابستگی داشته‌اند، گروه یا سازمان مجرمانه اعلام کند [۱۸، ص ۲]. براساس ماده ۱۰ اساسنامه، در آن دسته از دعاوی که گروه یا سازمان توسط دادگاه نظامی نورنبرگ مجرمانه اعلام شده، دادگاه ملی صلاحیتدار، مجاز به محاکمه افراد به لحاظ عضویت در آن گروه یا سازمان است. در این‌گونه دعاوی، ماهیت مجرمانه گروه یا سازمان اثبات شده تلقی می‌گردد و نقض آن ممنوع بود [۱۸، ص ۳]. ماده ۱۱ نیز متضمن منع تعقیب مجدد تالی در خصوص جرم عضویت افراد در سازمانها و گروههای مجرمانه توسط دادگاههای دیگر بود.

۲-۱-۲- دادگاه یوگسلاوی سابق [۱۹، ص ۲۶۵]

اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی موقت برای یوگسلاوی سابق صریحاً موضوع منع محاکمه و مجازات مجدد را مورد توجه قرار داده است. مدلول ماده ۱۰ اساسنامه، محاکمه و مجازات مجدد مرتکبین نقضهای جدی حقوق بشر دوستانه بین‌المللی را که قبلاً به وسیله دادگاه کیفری بین‌المللی موقت یوگسلاوی سابق محاکمه شده باشند در دادگاه ملی منع می‌کند، اعم از اینکه رسیدگی منتج به محکومیت یا برائت شده باشد. بنابراین اگر دادگاه بین‌المللی یوگسلاوی سابق، رسیدگی به دعوا را در صلاحیت خود بداند نسبت به صلاحیت ملی حق تقدم دارد. به عبارت دیگر، دولت‌ها مکلف به پذیرش تصمیم دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق مانند دادگاههای ملی هستند. بنابراین



کافی نیست که مجازات تحمیل شده در دادگاه بین‌المللی مطابق قاعده احتساب مجازات در دادگاه ملی، مورد توجه قرار گیرد، بلکه دولتها باید موضوع را به عنوان یک حکم نهایی و مختومه بدانند. همچنین هر گاه دادگاه ملی، تعقیب کیفری متهم را شروع کرده باشد، دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق به لحاظ نقض ماده ۱۰ اساسنامه، می‌تواند از دولت مربوط درخواست تعویق رسیدگی را کند که در این صورت، دادگاه ملی مکلف به اجابت خواسته دادگاه کیفری بین‌المللی است [۲۰، ص ۳۲۷].

به موجب بند ۱ ماده ۱۰ اساسنامه، کسی که قبلاً مطابق اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق محاکمه شده، نباید نزد دادگاه ملی برای اعمال تشکیل‌دهنده نقض و تجاوز جدی حقوق بشر دوستانه بین‌المللی محاکمه گردد. بنابراین قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد تالی در اساسنامه پیش‌بینی شده است.

این مقررات در خصوص اعمال قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد در خصوص آرای صادره از شعب دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق ساکت است. به نظر می‌رسد که در خصوص همان موضوعی که قبلاً توسط این دادگاه منجر به اتخاذ تصمیم نهایی شده نمی‌توان شخصی را مجدداً در همان شعبه یا شعبه دیگر تعقیب کرد؛ زیرا اصول حقوق بشر ایجاب می‌کند که یک شخص دو بار برای یک عمل محاکمه نشود [۲۰، ص ۳۲۷].

به موجب بند ۲ ماده ۱۰ اساسنامه دادگاه بین‌المللی یوگسلاوی سابق، شخصی که به وسیله دادگاه ملی به واسطه ارتکاب اعمال متضمن نقضهای فاحش حقوق بشر دوستانه بین‌المللی محاکمه شده، جز در دو مورد زیر نمی‌تواند توسط دادگاه بین‌المللی تحت تعقیب و محاکمه قرار گیرد: الف) عملی که متهم به لحاظ ارتکاب آن، با وصف جرم معمولی در دادگاه ملی محاکمه شده است.

ب) رسیدگی دادگاه ملی، بیطرفانه و به‌طور مستقل انجام نشده و منظور از آن رها ساختن متهم از مسئولیت کیفری بین‌المللی باشد، یا مرحله تعقیب و محاکمه به‌طور صحیح انجام نگرفته باشد. بند ۳ ماده ۱۰ اساسنامه دادگاه بین‌المللی یوگسلاوی، راجع به قاعده احتساب مجازات قبلی است. این بند مقرر می‌دارد که دادگاه بین‌المللی، میزان مجازات تحمیل شده را به شخص مورد نظر توسط دادگاه ملی نسبت به همان عملی که قبلاً اعمال شده احتساب و کسر می‌کند. قاعده احتساب مجازات قبلی از حیث موازین حقوق بشر نیز قابل توجیه است.

۲-۱-۳- دادگاه رواندا^۱

این دادگاه در نوامبر ۱۹۹۴، یعنی هجده ماه بعد از دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد، براساس فصل هفتم منشور ملل متحد با تصویب قطعنامه شماره ۱۹۹۴ (۹۵۵) ایجاد شد و مقر آن، اروشای تانزانیا است. رسیدگی به نقضهای جدی حقوق بشر دوستانه بین‌المللی در صلاحیت این دادگاه است.

صلاحیت این دادگاه به لحاظ موضوعی، محدود به مخاصمات مسلحانه داخلی و به لحاظ شخصی، محدود به افراد است و شامل سازمانها یا دولتها نمی‌شود. مانند دادگاه یوگسلاوی سابق، این اساسنامه نیز صراحتاً قاعده مورد بحث را در ماده ۹ پذیرفته است. تعقیب اشخاص به‌وسیله دادگاه ملی رواندا بعد از محاکمه در دادگاه بین‌المللی منع شده است [۱۹، ص ۲۶۴].

۲-۱-۴- دادگاه سیرالئون

جنگ داخلی سیرالئون از جمله خونینترین درگیریهای آفریقا بود که هر دو طرف در سطح گسترده به قتل و تجاوز جنسی، شکنجه و قتل افراد غیرنظامی مبادرت کردند. نه تن از رهبران گروه‌های شبه نظامی متخاصم به اتهام دست داشتن در جنایات جنگی بازداشت شده، در انتظار محاکمه به سر می‌برند و چارلز تیلور، رئیس جمهوری سابق لیبریا و یکی از حامیان اصلی گروه‌های شورشی نیز در حال حاضر به صورت تبعید در نیجریه اقامت دارد [۲۶، ص ۸].

دبیر کل سازمان ملل متحد در چهارم اکتبر سال ۲۰۰۰ پیش‌نویس موافقتنامه بین دولت سیرالئون و سازمان ملل متحد را به‌منظور ایجاد دادگاه اختصاصی سیرالئون تقدیم شورای امنیت کرد. موافقتنامه مشتمل بر اساسنامه دادگاه اختصاصی بود [۲۲]. این دادگاه، اولین دادگاه موقت و اختصاصی است که براساس توافق بین سازمان ملل متحد و یک دولت عضو سازمان ملل ایجاد شده است. اعمال قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد، محدود به رابطه بین دادگاه اختصاصی و دادگاههای ملی سیرالئون است. ماده ۹ اساسنامه مقرر می‌دارد که هیچ کس نمی‌تواند در دادگاه ملی سیرالئون برای جرمی که قبلاً در دادگاه اختصاصی محاکمه شده، مجدد محاکمه گردد. برعکس، شخصی که به‌وسیله دادگاه ملی برای اعمال مندرج در مواد ۲ تا ۴ محاکمه شده ممکن است متعاقباً توسط دادگاه اختصاصی محاکمه گردد، البته در صورتی که دادگاه ملی اعمال انتسابی را جرم معمولی تلقی کرده یا محاکمه توسط دادگاه ملی از روی بیطرفی و استقلال صورت نگرفته و یا با

^۱-ICTR



اهتمام و کوشش و تلاش انجام نشده باشد. همچنین دادگاه اختصاصی باید قاعده احتساب مجازات تحمیل شده در دادگاه ملی را مراعات کند [۲۳، ص ۸۶۱].

۲-۲- دادگاه کیفری بین‌المللی (دائمی)^۱

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در پنجاه و دومین جلسه خود تصمیم گرفت که کنفرانس دیپلماتیک نمایندگان تام‌الاختیار ملل متحد را در مورد تأسیس دادگاه بین‌المللی برگزار کند. متعاقباً جلسه‌ای در رم از ۱۵ ژوئن تا ۱۷ ژوئیه ۱۹۹۸ برای نهایی کردن و تصویب کنوانسیون راجع به ایجاد دادگاه کیفری بین‌المللی تشکیل گردید [۲۴، ص ۱]. پیش‌نویس اساسنامه تنظیم شده توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل در رم به تأیید ۱۲۰ کشور رسید و از اول ژوئیه سال ۲۰۰۲ لازم‌الاجرا شده است. به‌طور کلی، اهداف تأسیس چنین دادگاهی اجرای عدالت همگانی، لغو مصونیت، کمک به پایان دادن به منازعات، رفع نواقص دادگاههای کیفری بین‌المللی موقت، تعقیب و محاکمه مجرمین در صورت عدم تمایل یا عدم توانایی دادگاههای کیفری ملی، و ایجاد بیم و هراس برای جنایتکاران جنگی در آینده است [۲۴، ص ۴].

قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد در ۳ بند ماده ۲۰ اساسنامه آمده است. بند اول ماده ۲۰ مانع تعقیب مجدد افراد در دادگاه بین‌المللی برای رفتار مجرمانه‌ای می‌شود که قبلاً برای همان رفتار در این دادگاه محاکمه شده است. همان‌طور که قبلاً بیان شد اساسنامه‌های دادگاههای کیفری بین‌المللی موقت در این خصوص ساکت هستند و از این لحاظ اساسنامه رم نسبت به اساسنامه دادگاههای موقت ترجیح دارد و مزیت محسوب می‌شود؛ زیرا باب هرگونه استتباط و ایجاد رویه‌های متفاوت را مسدود می‌کند. بند دوم ماده ۲۰ ناظر به منع تعقیب مجدد تالی است. بنابراین دادگاههای ملی دولت عضو از تعقیب فرد به‌خاطر همان رفتار مجرمانه‌ای که قبلاً توسط دادگاه بین‌المللی محکوم یا تبرئه شده است، منع شده‌اند.

بند آخر ماده ۲۰ متضمن منع محاکمه و مجازات افراد در دادگاه بین‌المللی (منع تعقیب مجدد عالی) است که قبلاً برای همان رفتار مجرمانه در دادگاه ملی محکوم یا تبرئه شده است؛ لکن صدور حکم محکومیت یا برائت به‌وسیله دادگاه ملی، به‌صورت استثنایی و در صورت احراز شرایط زیر، مانع تعقیب و محاکمه مجدد در دادگاه بین‌المللی نیست: اگر جریان رسیدگی در دادگاه ملی: الف) به منظور صیانت شخص مورد نظر از مسؤولیت کیفری جنایات مشمول صلاحیت دادگاه بین‌المللی

۱. ICC: international criminal court

باشد، یا ب) دادرسی مستقل و بیطرفانه، مطابق اصول شناخته شده در حقوق بین‌الملل صورت نگرفته و به شیوه‌ای انجام شده باشد که مغایر با قصد اجرای عدالت نسبت به شخص مورد نظر باشد [۲۵، ص ۱۲].

۳- موجبات تحقق قاعده

برای تعیین موجبات و شرایط اعمال قاعده لازم است مفهوم اصطلاحات مهمی چون «همان»^۱ جرم معمولی، حکم نهایی^۲ و صلاحیت تکمیلی^۳ مشخص شود.

۳-۱- مفهوم «همان»

در حقوق داخلی، برای تحقق اعتبار امر مختوم کیفری سه شرط «وحدت موضوع»، «وحدت سبب» و «وحدت اصحاب دعوا» ذکر می‌شود. در صورت اجتماع شروط یاد شده، تعقیب کیفری مجدد امکان‌پذیر نیست و دعوای عمومی ساقط می‌گردد. منظور از «وحدت موضوع» رفتار واحدی است که موضوع دعوای سابق و جدید است. سبب در دادرسی کیفری، اعاده نظم و اعمال مجازات و یا اقدامات تأمینی و تربیتی است. بنابراین، رسیدگی دادگاه حقوقی نسبت به مطالبه خسارت و دادگاه اداری در مورد تخلفات شغلی و انتظامی، مانعی برای تعقیب کیفری در مراجع کیفری نسبت به همان عمل نیست. شرط «وحدت اصحاب دعوا» مانع رسیدگی به شکایتی است که قبلاً توسط شاکی و یا دادستان، علیه متهم مطرح و رسیدگی شده است.

این شروط در اساسنامه‌های مراجع کیفری بین‌المللی در قالب مفهوم «همان» (*idem*) در عبارت *non (ne) bis in idem* مطرح است. شروط وحدت سبب دعوا و وحدت اصحاب دعوا برای حصول اعتبار امر مختوم کیفری بین‌المللی و قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد، ظاهراً مغایرتی با حقوق داخلی ندارند. بدین معنا هرگاه پرونده متهم قبلاً در دادگاه کیفری ملی مورد رسیدگی قرار گرفته باشد، دادگاه کیفری بین‌المللی حق تعقیب مجدد ندارد و بنابراین تعقیب متهم در دادگاه اداری، مانع تعقیب او در دادگاه بین‌المللی نیست.

۱. *idem* (the same)

۲. final judgment

۳. complementary jurisdiction



اگر فردی قبلاً در دادگاه کیفری ملی مورد محاکمه و مجازات قرار گرفته باشد، همان شخص برای همان اتهام در دادگاه کیفری بین‌المللی قابل تعقیب نیست و بر عکس، اعم از اینکه دادستان رأساً دست به تعقیب زده یا شاکی خصوصی طرح شکایت کرده باشد.

در خصوص معنا و مفهوم «همان موضوع» دو گونه تفسیر وجود دارد: ۱) تفسیر مضیق؛ بدین معنا که اگر عملی با وصف مجرمانه خاص تحت تعقیب قرار گرفته و متهم، محکوم یا تبرئه شده باشد، ممکن است با وصف مجرمانه دیگر تعقیب شود. بنابراین تعقیب مجدد نسبت به همان رفتار، ولی با عنوان و وصف قانونی دیگر منع نشده است. به عنوان مثال اگر متهم نسبت به کشتار جمعی تبرئه شود، ممکن است تحت عنوان قتل غیرعمدی تحت تعقیب قرار گیرد. ۲) تفسیر موسع: این برداشت وسیعتر است و به این معنا است که «همان»، متضمن رفتار قبلی، هم در قانون و هم در واقع است. بنابراین در صورت تبرئه نسبت به کشتار جمعی، تعقیب بعدی نسبت به هر نوع جرم را منتفی می‌کند.

اساسنامه‌های دادگاههای بین‌المللی کیفری موقت یوگسلاوی سابق و رواندا و پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌المللی درباره جرائم علیه صلح و امنیت بشری [۲۶] موضوع را مد نظر قرار داده‌اند و با در نظر گرفتن اینکه تعقیب مجدد در دادگاه ملی یا دادگاه بین‌المللی انجام گرفته باشد هم واژه «رفتار» و هم واژه «جرم» را به کار برده‌اند. پس از اینکه دعوا در دادگاه بین‌المللی مورد رسیدگی قرار گرفت و حکم محکومیت علیه متهم صادر شد، شروع محاکمه مجدد در یک دادگاه ملی، مطابق اساسنامه‌های دادگاههای بین‌المللی موقت و همچنین پیش‌نویس جرائم علیه صلح و امنیت بشری منع گردیده است؛ لکن اگر ملاک و ضابطه، رفتار باشد جرائم مختلف ناشی از یک رفتار نمی‌تواند موجبی برای تعقیب مجدد در دادگاههای ملی باشد [۹، ص ۳۱]. با توجه به اینکه صلاحیت دادگاههای کیفری بین‌المللی در مورد جنایات بین‌المللی است، در صورت صدور حکم برائت متهم نسبت به جنایات مذکور در اساسنامه، مانعی برای تعقیب کیفری متهم در مورد سایر اتهامات ناشی از همان رفتار در دادگاههای ملی نیست. در این صورت، نوع تفسیر از «همان» مضیق است، لکن در صورت صدور حکم محکومیت در دادگاه کیفری بین‌المللی، دادگاه ملی حق تعقیب مجدد ندارد و با این تعبیر، «وحدت موضوع» ناظر به «وحدت رفتار» است و نوع تفسیر «موسع» خواهد بود.

براساس مفهوم بند ۲ ماده ۲۰ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی رم، دادگاه ملی از اینکه متهم را برای «همان جرم» تحت تعقیب و محاکمه قرار دهد منع شده است، اما ظاهراً حق قضاوت درباره «همان رفتار» را تحت عنوان مجرمانه دیگر در حقوق ملی دارد. این بند مقرر می‌دارد: «هیچ‌کس نباید

برای «همان جرم» درج شده در ماده ۵ که قبلاً به وسیله دادگاه کیفری بین‌المللی محکوم یا تبرئه شده است، محاکمه گردد».

تفسیر مورد نظر در منع تعقیب مجدد تالی «مضیق» است، لکن انصاف حکم می‌کند که این تفسیر منصرف به حکم برائت صادره از دادگاه کیفری بین‌المللی باشد. بنابراین اگر دادگاه بین‌المللی حکم محکومیت نسبت به جنایات بین‌المللی صادر کند، دادگاه ملی نباید حق تعقیب مجدد متهم را در مورد جرائم معمولی ناشی از همان عمل ارتكابی داشته باشد. بر عکس، در بند ۲ این ماده اصطلاح «همان رفتار» آمده است و این امر دلالت بر تفسیر موسع دارد، بدین معنا که اگر دادگاه ملی تحت عناوین مجرمانه دیگری غیر از موارد مندرج در مواد ۶، ۷ و ۸ اساسنامه اقدام به رسیدگی و صدور حکم کرده باشد، آن رفتار قابل محاکمه در دادگاه کیفری بین‌المللی نیست.

۳-۲- جرم معمولی

قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد عالی در اساسنامه‌های دادگاههای کیفری بین‌المللی موقت دارای دو استثنای شکلی و ماهوی است. استثنای شکلی قاعده وقتی متصور است که در دادگاه ملی فرایند تعقیب و محاکمه و صدور حکم، با رعایت اصول دادرسی شناخته شده بین‌المللی صورت نگیرد. استثنای ماهوی ناظر به جرائم معمولی است. منظور از جرائم معمولی، جرائم مندرج در قوانین کیفری کشورها است و در مقابل، جرائم بین‌المللی قرار دارند که در اسناد بین‌المللی پیش‌بینی می‌شوند. این استثنا در قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد عالی در اساسنامه دادگاههای کیفری بین‌المللی موقت وقتی محقق می‌شود که دادگاه ملی، اتهام انتسابی را داخل در جرائم معمولی تلقی، و متهم را پس از رسیدگی به مجازات جرم معمولی محکوم کرده باشد. مثلاً اگر دادگاه ملی، شخصی را به اتهام قتل عمدی محکوم نماید، اما دادگاه بین‌المللی اقدام وی را مشمول جرم کشتار جمعی بداند، دادگاه بین‌المللی مجاز به رسیدگی مجدد است.

استثنای ماهوی در اساسنامه رم درج نشده و علت آن در بند ۴۲ گزارش کمیته موقت تأسیس دادگاه کیفری بین‌المللی چنین بیان شده است: «... پیشنهاد شد تا تفکیک بین جرائم معمولی و جرائم بین‌المللی از ماده ۴۲ اساسنامه پیشنهادی کمیسیون حقوق بین‌الملل حذف گردد، زیرا چنین تفکیکی در همه نظامهای حقوقی، مرسوم و مشترک نیست و این امر ممکن است متضمن مشکلات مهم حقوقی شود» [۲۷]. بنابراین استثنائات دادگاههای کیفری بین‌المللی موقت، هم جنبه ماهوی و هم جنبه شکلی دارد، لکن استثنائات دادگاه بین‌المللی کیفری فقط جنبه شکلی دارد. اگر رسیدگیهای ملی



برمبنای «جرم عادی» باشد، همان رفتار می‌تواند بدون نقض قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد در دادگاه بین‌المللی موقت تحت تعقیب و رسیدگی قرار گیرد. این ویژگی در دادگاه بین‌المللی موقت رواندا در قضیه «باگوسورا»^۱ مورد توجه قرار گرفته اما با توجه به عدم درج استثنای جرائم عادی در اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی دائمی، شخصی که قبلاً به وسیله دادگاه دیگر برای اعمال مجرمانه - صرف‌نظر از وصف جزایی آن - تعقیب و محاکمه شده باشد، از تعقیب مجدد مصون است، مشروط بر اینکه اصول مندرج در بند ۳ ماده ۲۰ اساسنامه رعایت شده باشد.

۳-۳- حکم نهایی

مقررات ملی در مورد نهایی تلقی شدن احکام، مختلف است. در کشورهای رمی - ژرمنی احکام وقتی نهایی تلقی می‌شوند که همه راههای عادی، از جمله حق پژوهشخواهی در موردشان طی شده باشد. این حق هم برای متهم و هم برای دادستان قابل اعمال است و قربانی جرم نیز غالباً واجد چنین حقی است. در چنین نظامی، اعمال حق پژوهشخواهی نه تنها ناقض قاعده منع محاکمه و مجازات محسوب نمی‌شود، بلکه به موجب بند ۵ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، یکی از تضمینهای دادرسی منصفانه محسوب می‌شود. بدیهی است که هر گاه نسبت به حکم برائت یا محکومیت، در جرائم کم اهمیت، حق پژوهشخواهی وجود نداشته یا مهلت پژوهشخواهی پایان یافته باشد، حکم صادر از دادگاه بدوی، نهایی محسوب می‌شود. برعکس، در کشورهای تابع نظام کامن لا، مقام تعقیب غالباً حق پژوهشخواهی نسبت به حکم برائت ندارد و تصور می‌شود که اعطای چنین حقی به مقام تعقیب، مخالف قاعده منع تعقیب مجدد است. اطلاق این دیدگاه امروزه مورد تأیید نیست، زیرا انگلستان نقش مهمی در تهیه و تصویب اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی و ماده ۲۰ آن داشته که در آن، حق پژوهشخواهی برای مقام تعقیب به صراحت پیش‌بینی شده است [۱۴، ص ۷۱۰].

جالب توجه است که اکثر کشورها، راههای فوق‌العاده تجدید نظر، مثل اعاده دادرسی را در صورت کشف وقایع و ارائه دلایل جدید یا صدور حکم برائت مخدوش تجویز کرده‌اند. سؤال این است که آیا برائتی که موضوع تجدیدنظر قرار می‌گیرد، مستلزم رسیدگی ماهوی مجدد است؟ براساس مجموعه مقررات دادرسی کیفری ناپلئون - که هنوز در بلژیک قابل اعمال است - تجدیدنظر خواهی فقط جنبه فرجامی و شکلی دارد و مستلزم محاکمه مجدد نیست [۱۴، ص ۷۱۱]. کمیسیون

۱. Bagosora

حقوق در انگلستان به مجلس قانونگذاری پیشنهاد کرده که امکان تجویز محاکمه مجدد، تحت شرایط معینی، حتی پس از صدور حکم برائت امکان پذیر شود [۱۴، ص ۷۱]. بنابراین حکم نهایی، منحصر به حکم ماهوی محکومیت یا برائت است و قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد نسبت به آرای شکلی، مثل قرار عدم صلاحیت رسیدگی قابل اعمال نیست.

این امر در قضیه «داسکو تادیچ»^۱ نیز تایید شد. تادیچ توسط دادستان مونیخ تحت تعقیب قرار گرفت و کیفرخواست وی صادر و وقت رسیدگی آن در دادگاه کیفری آلمان تعیین شد و دادستان دادگاه بین‌المللی یوگسلاوی سابق، اعزام وی را به لاهه (مقر دادگاه) درخواست کرد. قانونگذار آلمان، تعویق محاکمه را تصویب کرد و درخواست دادستان لاهه در ۲۴ آوریل ۱۹۹۵ اجرا شد. متهم استدلال کرد که اعزام وی به دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی توسط مقامات آلمانی موجبات محاکمه مجدد را فراهم کرده و این امر، ناقض قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد است، زیرا با ماده ۱۰ منشور تعارض دارد. شعبه دوم دادگاه، این استدلال را نپذیرفت و صریحاً بیان داشت که قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد نقض نشده است؛ زیرا محاکمه علیه تادیچ در آلمان شروع نشده بود تا تعقیب در دادگاه کیفری بین‌المللی موجب نقض قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد شود [۲۰، ص ۳۳۰]. به عبارت دیگر، تصمیم آلمان در خصوص ماهیت دعوا نبوده، بلکه مبنی بر تعویق رسیدگی و اعزام او به منظور رسیدگی در دادگاه کیفری بین‌المللی مطابق اساسنامه این دادگاه بوده است [۱۴، ص ۷۲۰].

حمایت از منع محاکمه و مجازات مجدد، مندرج در بند ۱ ماده ۲۰ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی، مطلق نیست، بلکه استثنائاتی دارد که در اساسنامه مقرر شده است. فصل هشتم اساسنامه مشتمل بر مواد ۸۱ تا ۸۴ مربوط به پژوهش‌خواهی و اعاده دادرسی نسبت به احکام دادگاه بدوی است که قابل پژوهش و اعاده دادرسی در مرجع تجدیدنظرند. از نظر تعداد زیادی از کشورهای تابع نظام کامن‌لا، ماده ۸۱ احتمالاً یک مورد از موارد استثنا بر قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد است، در حالی که اکثر حقوقدانان رمی - ژرمنی این امر را استثنائی بر قاعده تلقی نمی‌کنند، اما بعضی از حقوقدانان کامن‌لا، پژوهش‌خواهی را سبب تنزل و محدود شدن قاعده منع محاکمه و مجازات تلقی می‌کنند [۱۴، ص ۷۲۲].

ماده ۸۴ اساسنامه، شامل اعاده دادرسی نسبت به محکومیت یا مجازات است. جهات اعاده دادرسی عبارتند از: کشف دلیل جدید به نحوی که در هنگام رسیدگی در دسترس نبوده و عدم دسترسی نیز منتسب به عمل درخواست کننده اعاده دادرسی نباشد، و وجود نقص اساسی در

۱. Dasko Tadic



رسیدگی گذشته. بنابراین پژوهش‌خواهی شامل احکام محکومیت یا برائت است ولی اعاده دادرسی فقط نسبت به احکام محکومیت یا مجازات دادگاه کیفری بین‌المللی است و مغایرتی با قاعده منع محاکمه و مجازات ندارد.

۳-۴- صلاحیت تکمیلی^۱

صلاحیت قضایی عبارت از اقتداری است که قانون به مراجع دادرسی داده است. به‌طور کلی در حقوق داخلی صلاحیت محاکم را می‌توان به سه نوع ذاتی^۲، محلی^۳ و شخصی^۴ تقسیم کرد. صلاحیت ذاتی به معنای صلاحیت مطلق دادگاه از حیث صنف (حقوقی، کیفری و اداری)، نوع (عمومی و اختصاصی) و درجه (بدوی و تجدیدنظر) است. صلاحیت محلی به معنای اختیار یک دادگاه معین نسبت به دادگاه معین دیگر که از حیث صنف، نوع و درجه شبیه یکدیگرند. مثلاً وقتی مشخص شد که دعوای معینی در صلاحیت دادگاه کیفری استان است، باید معلوم شود که دادگاه کیفری کدام محل صلاحیت رسیدگی دارد. صلاحیت شخصی با توجه به خصوصیات متهم تعیین می‌شود؛ مثل دادگاه اطفال و دادگاه ویژه روحانیت.

در سطح حقوق کیفری بین‌المللی می‌توان بیان کرد که اساسنامه‌های دادگاههای کیفری بین‌المللی موقت، قائل به صلاحیت ذاتی برای این دادگاهها در مقابل دادگاههای ملی هستند و در نتیجه، نظام تعقیب بین‌المللی در این دادگاهها نسبت به نظامهای کیفری ملی ترجیح داده می‌شود. این امر، موجب می‌گردد که مسائلی مانند صلاحیت، تصمیم به تعقیب و محاکمه، تعارض با تعقیب و محاکم از طرف دادگاههای ملی و یا نسبت به دعاوی حل و فصل شده در خارج از دادگاهها توسط دادگاههای بین‌المللی تعیین شود [۱۴، ص ۷۱۷]. بنابراین، حتی اگر دعوا در دادگاه ملی در جریان تعقیب و محاکمه بوده و منتهی به صدور حکم قطعی نشده باشد، دادگاه ملی ملزم به تبعیت از تصمیم دادگاه کیفری بین‌المللی موقت است.

۱. complementary jurisdiction

۲. inherent jurisdiction (ratione materiae)

۳. ratione loci

۴. ratione personae

ایجاد دادگاههای کیفری بین‌المللی، شکل‌گیری مجدد قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد را به منظور مقابله با مشکلات جدید ضروری می‌سازد. وقتی به‌وسیله دادگاه ملی و دادگاه کیفری بین‌المللی نسبت به جرم واحد، اعمال صلاحیت صورت می‌گیرد، پیچیدگیهای اعمال قاعده، خود را بیشتر نشان می‌دهد. با توجه به تفوق و برتری ذاتی دادگاههای بین‌المللی بر دادگاههای ملی، مفهوم «جنبه عمودی» مطرح می‌شود و در نتیجه، دو اصطلاح مهم قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد تالی (اثر منفی اعتبار امر مختوم تصمیمات دادگاه بین‌المللی در مقابل دادگاه ملی) و قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد عالی (اثر منفی اعتبار امر مختوم تصمیمات دادگاه ملی در مقابل دادگاه بین‌المللی) قابل تأمل و بررسی است.

اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی دائمی، دولت‌ها را برای اعمال صلاحیت در خصوص جرائم مندرج در اساسنامه تشویق و ترغیب می‌کند. در مقدمه اساسنامه بیان شده است که تعقیب مؤثر جرائم منظور شده در اساسنامه مورد بحث، باید به واسطه اتخاذ تدابیری در سطح ملی و با زیادت‌تر کردن همکاریهای بین‌المللی تضمین گردد. با وجود این، هیچ‌گونه نص صریحی در اساسنامه وجود ندارد که دولت‌ها را ملزم نماید تا نسبت به تعقیب جرائم مطرح شده در اساسنامه اقدام کنند. در صورتی که دولت‌های متعهد از تعقیب متهمین خودداری و قصور کنند یا ابزارها و امکانات لازم را برای این کار نداشته باشند، دادگاه کیفری بین‌المللی شروع به تعقیب و محاکمه می‌کند. به چنین صلاحیتی اصطلاحاً «صلاحیت تکمیلی» گفته می‌شود. کمیته موقت برای تأسیس دادگاه کیفری بین‌المللی در گزارش خود، یکی از علل مخالفت بعضی از نمایندگیهای کشورهای مختلف را با صلاحیت ذاتی دادگاه کیفری بین‌المللی، معارض و ناسازگار بودن آن با اصل حاکمیت دولت‌ها اعلام داشتند که بر این اصل در بند اول ماده ۲ منشور ملل متحد تأکید شده است و استثناً بر این اصل رضایت دولت‌ها است که از طریق تصویب معاهده یا به‌صورت موردی صورت می‌گیرد [۲۷، ص ۲۰]. براساس اصل تکمیلی بودن، تنها در صورتی دادگاه کیفری بین‌المللی اعمال صلاحیت می‌کند که دولت‌های متعهد بعد از وقوع جرم از تحقیقات و رسیدگی درست و با حسن نیت و صادقانه خودداری کنند. دادگاه کیفری بین‌المللی نمی‌تواند دعوایی را رسیدگی کند که دولت تصمیم به انجام آن دارد؛ اما در این باره چند استثنا وجود دارد که دادگاه کیفری بین‌المللی می‌تواند دعوایی را که قبلاً به دولت ارجاع شده است، رسیدگی کند.

در صورت احراز «عدم تمایل»^۱ و یا «عدم توانایی»^۲ دولت، تعقیب و محاکمه توسط دادگاه کیفری بین‌المللی صورت می‌گیرد. در بند دوم ماده ۱۷ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی «عدم

۱. unwilling

۲. unable



تمایل» چنین تعریف شده است: رسیدگی به عمل آمده یا در حال انجام یا تصمیم ملی به منظور مصونیت متهم از مسؤولیت کیفری نسبت به جنایات ارتكابی داخلی در صلاحیت دادگاه کیفری بین‌المللی باشد یا تأخیر غیرقابل توجیه در رسیدگی وجود داشته باشد و یا اینکه رسیدگی به صورت مستقل و بیطرفانه انجام نشده و محاکمه طوری صورت گرفته که با توجه به اوضاع و احوال با قصد اجرای عدالت نسبت به شخص مورد بحث منافات دارد.

در بند سوم ماده ۱۷ «عدم توانایی» چنین تبیین شده است:

۱. سیستم قضایی ملی دولت، اساساً یا کلاً فرو ریخته و مضمحل شده است.
۲. سیستم قضایی ملی دولت قادر به دستگیری متهم یا جمع‌آوری ادله نیست یا اینکه ناتوان از انجام محاکمه است.

شک نیست وقتی که دولت قادر به تحقیق، تعقیب، دادرسی و صدور حکم نیست، بحث تعقیب یا محاکمه مجدد موضوعاً منتفی است، اما وقتی که تحقیقات، رسیدگی و صدور حکم مطابق با تشریفات قانونی و سایر معیارهای بین‌المللی انجام نشده باشد، در واقع، عدالت کیفری اجرا نشده است. این امر، اعم از این است که رسیدگی در دادگاههای دیگر با هدف صیانت شخص از مسؤولیت کیفری صورت گرفته باشد و یا اینکه دادرسی به صورت مستقل و بیطرفانه نبوده باشد.

۴- آثار حقوقی اجرای قاعده

به‌طور کلی در مبحث آثار حقوقی اجرای قاعده در سطح بین‌المللی مسائل آتی باید مورد بررسی قرار گیرد: آیا اثر اجرای قاعده مطلق است و به عبارت دیگر، آیا مانع هر گونه اقدامی، حتی انجام تحقیقات مقدماتی مجدد می‌شود؟ یا اثر آن نسبی است؟ بدین معنا که فقط مانع انجام تحقیقات و رسیدگی به ضرر متهم است؟ و یا اینکه اثر آن فقط محدود به منع اجرای مجازات مجدد است؟ به علاوه آیا در صورت صدور عفو توسط مقامات صلاحیت‌دار دولتها، دادگاههای کیفری بین‌المللی مجاز به تعقیب هستند؟

۴-۱- منع محاکمه و مجازات مجدد عالی و تالی

منشور لندن (نورنبرگ) هر چند در مفهوم کاملاً «عمودی» است، اما به‌طور صریح قاعده منع تعقیب مجدد تالی (اثر اعتبار امر مختوم تصمیمات دادگاه نورنبرگ نسبت به دادگاه ملی) را پیش‌بینی نکرده است. چنین تعقیبی در دادگاه ملی وقتی امکان‌پذیر است که شخص قبلاً به‌عنوان عضو سازمان یا

گروه بزهکار در دادگاه نورنبرگ محکوم شده باشد. در نتیجه، منشور، یک حمایت منع محاکمه و مجازات مجدد محدود را تضمین می‌کند و فقط در این مورد دارای اثر منع مطلق تعقیب مجدد تالی است. بنابراین، وقتی دادگاه نورنبرگ در مورد مجرمیت سازمان یا گروهی حکم مقتضی صادر کرد، دادگاه ملی ملزم به تبعیت از آثار چنین حکمی است. منشور نورنبرگ در خصوص منع محاکمه و مجازات عالی (نورنبرگ) ساکت است؛ زیرا در هیچ قسمت منشور بیان نشده که تعقیب‌های ملی، مانع از تعقیب و محاکمه توسط دادگاه نورنبرگ خواهد بود.

ظاهراً به موجب مفاد حکم مذکور در ماده ۱۰ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی موقت برای یوگسلاوی سابق، آرای دادگاه‌های ملی دارای اثر منع تعقیب و محاکمه مجدد عالی هستند که با اصل عمودی بودن متعارض است، لکن با تأمل و دقت بیشتر قابل استنباط است که اثر منع محاکمه و مجازات مجدد توسط مرجع عالی در مورد تصمیمات دادگاه ملی، محدود است. این قاعده وقتی قابل اعمال نیست که عمل ارتكابی متهم قبلاً تحت عنوان جرم معمولی به‌وسیله دادگاه ملی مورد رسیدگی قرار گرفته باشد [۱۴، ص ۷۱۹]. بر این اساس تعقیب مجدد، وقتی امکان‌پذیر است که تعقیب و رسیدگی به اتهام در دادگاه ملی، صرفاً بر مبنای عناوین مجرمانه داخل در صلاحیت دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق نبوده باشد. بنابراین، شخصی که به جرم قتل عمدی (جرم عادی) در دادگاه ملی محاکمه شده، ممکن است به اتهام جرم کشتار جمعی به‌وسیله دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق به سبب همان رفتار مجدداً محاکمه گردد.

همچنین براساس بند «ب» ذیل بند دوم ماده ۱۰ اساسنامه، رسیدگی مجدد به‌وسیله دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق در صورتی امکان دارد که رسیدگی دادگاه ملی، مستقل و بیطرفانه نباشد یا به‌صورتی انجام شود که متهم از مسؤلیت کیفری بین‌المللی مصون گردد یا قضیه با جدیت تعقیب نشود. شورای امنیت با تصویب این دو استثنا خواسته است خطر «رسیدگی‌های صوری و نمایشی» در قلمرو دادگاه‌های ملی متوقف گردد. دادگاه بین‌المللی در چنین اموری حق دارد بدون توجه به نتیجه دادگاه ملی، رسیدگی‌های مجدد را به‌طور کامل شروع کند. با وجود این، دادگاه برای محاکمه مجدد، به‌منظور رعایت موازین حقوق بشری و رعایت عدالت دلایل قابل قبولی باید ارائه کند.

مقررات قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد در اساسنامه دادگاه بین‌المللی رواندا تقریباً همان است که در اساسنامه دادگاه بین‌المللی یوگسلاوی سابق آمده و از این رو فقط به بیان قضیه معروف «نتو یاهاگا»^۱ بسنده می‌شود. در حالی که «تادیچ» در دادگاه بین‌المللی یوگسلاوی سابق

۱. ntuyahaga



مدعی نقض منع محاکمه و مجازات مجدد عالی گردید و ادعایش معتبر شناخته نشد و مردود اعلام شد، این قضیه در رواندا ناظر بر منع محاکمه و مجازات تالی است. مشاراًلیه یکی از مظنونین به قتل عمدی نخست‌وزیر رواندا (یوویلینگی آمانا)^۱ و دهها کلاه‌آبی بلژیکی سازمان ملل متحد بود که خانم نخست‌وزیر را اسکورت می‌کردند. او توسط دادستان در نزد دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا متهم به ارتکاب جرائم علیه بشریت، جرائم جنگی و کشتار جمعی شد، لکن دادگاه فقط در خصوص اولین اتهام (جرم علیه بشریت) تصمیم گرفت و از دولت‌ها، مخصوصاً رواندا و بلژیک تعقیب و محاکمه متهم را در دادگاه‌های داخلی درخواست کرد. براساس تقاضای دولت بلژیک، دادستان دادگاه بین‌المللی رواندا از این دادگاه به منظور تجویز تسلیم وی به دادگاه بلژیک، صدور قرار موقوفی تعقیب متهم را درخواست کرد. حسب این درخواست، دادگاه بین‌المللی، طی قرار عدم صلاحیت (تصمیم شکلی) کیفرخواست را رد کرد، اما خود را برای اتخاذ تصمیم مبنی بر تسلیم متهم به مقامات بلژیکی واجد صلاحیت ندانست و در نتیجه، متهم از بازداشت آزاد شد. متهم با تصمیم دادگاه مبنی بر عدم صلاحیت خود مخالفت کرد و اصرار داشت که دادگاه باید وی را تبرئه کند.

دلیل درخواست متهم روشن است، زیرا اگر دادگاه بین‌المللی رسماً وی را تبرئه می‌کرد، دادستان‌های ملی از انجام تعقیب در بلژیک و رواندا ممنوع بودند. دادگاه این استدلال را نپذیرفت و اعلام کرد که براساس قاعده ۹۸ حکم تبرئه وقتی صادر می‌شود که دادستان همه ادله را ارائه کند و دادگاه ادله ابرازی را برای تحمیل محکومیت نسبت به هیچیک از موارد اتهامی کافی نداند [۲۸، ص ۷۲۰]. بنابراین، اصولاً اثر منع محاکمه و مجازات مجدد عالی مبتنی بر منع مطلق است، مگر اینکه موارد استثنای پیش گفته (استثنای ماهوی و شکلی)، حسب تشخیص دادگاه کیفری بین‌المللی وجود داشته باشد و در این صورت، دادگاه کیفری بین‌المللی موقت، مجاز به رسیدگی مجدد است. همچنین اگر دادگاه کیفری بین‌المللی موقت مبادرت به صدور حکم قطعی (محکومیت یا برائت) کند، اصل بر این است که دادگاه‌های ملی مجاز به رسیدگی مجدد نیستند (اثر منع مطلق تعقیب مجدد تالی)، مگر اینکه حکم صادر از دادگاه کیفری بین‌المللی مبنی بر برائت بوده، عمل ارتكابی دارای وصف «جرم معمولی» باشد. هر چند این استثنا به صراحت در مقررات منع محاکمه و مجازات مجدد پیش‌بینی نشده است، اما چنین تفسیری منطبق با اصول دادرسی منصفانه و عادلانه مندرج در اسناد حقوق بشر است.

بندهای ۲ و ۳ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی، مبین سطح «عمودی» رابطه ذکر شده است. بند ۲ به اثر اعتبار امر مختوم کیفری دادگاه بین‌المللی در مقابل دادگاه ملی اشاره می‌کند (منع محاکمه

۱. uwilingiy amana

و مجازات مجدد تالی) و بند ۳ برعکس، ناظر به اثر اعتبار امر مختوم دادگاههای ملی در برابر دادگاه بین‌المللی است. جالب توجه است که در بند ۲ و ۳ به جای دادگاههای ملی عبارت «دادگاه دیگر»^۱ آمده است. منظور از «دادگاه دیگر» همان دادگاه دولتهای عضو است و دادگاههای غیر عضو را شامل نمی‌شود؛ زیرا صلاحیت جهانی در اساسنامه پیش‌بینی نشده و فقط دولتهای متعاهدی که جرائم چهارگانه بین‌المللی در قلمرو آنها ارتکاب یافته و یا متهم، تبعه آنها است مجاز به رسیدگی هستند. امکان تعارض صلاحیت با دادگاههای کیفری بین‌المللی موقت و یا اختصاصی، مانند یوگسلاوی سابق یا رواندا یا حتی کمیسیونهای تحقیق و سازش نیز وجود دارد. ظاهراً عبارت یاد شده را می‌توان به دادگاههای بین‌المللی موقت و اختصاصی نیز تعمیم داد، اما بعید به نظر می‌رسد که کمیسیونهای تحقیق از مصادیق «دادگاه دیگر» به شمار آیند؛ زیرا این کمیسیونها مرجع قضایی محسوب نمی‌شوند.^۲

بند ۲ ماده ۲۰ اساسنامه راجع به منع محاکمه و مجازات مجدد تالی است، اما چون صلاحیت دادگاه بین‌المللی فقط ناظر به جرائم موضوع ماده ۵ اساسنامه (جرائم کشتار جمعی، جرائم علیه بشریت، جرائم جنگی و تجاوز) است؛ دادگاههای ملی می‌توانند برابر قوانین ملی، متهم را به اتهام جرائم معمولی محاکمه کنند، اعم از اینکه نسبت به جرائم بین‌المللی محکوم یا تبرئه شده باشد. مثلاً در مورد کسی که به اتهام جرم کشتار جمعی محکوم یا تبرئه شده باشد، دادگاه ملی می‌تواند به اتهام قتل عمدی توسط او که ناشی از همان رفتار است رسیدگی کند. همان‌طور که در بحث اثر منع تعقیب مجدد تالی ناظر به دادگاه کیفری بین‌المللی موقت بیان شد، در این مورد نیز اقتضای رعایت اصول حقوق بشر و تفسیر به نفع متهم موید این امر است که تعقیب مجدد در دادگاههای ملی را فقط منصرف به حکم برائت صادر از دادگاه کیفری بین‌المللی بدانیم.

بنابراین، اثر منع تعقیب و مجازات مجدد تالی نسبت به احکام صادر از دادگاه بین‌المللی فقط محدود به جرائم یاد شده است. در بند ۲ ماده ۲۰ اصطلاح «جرم» آمده است، چون *idem* همان «جرم» تلقی می‌گردد، نه همان عمل و رفتار، پس نوع تفسیر پذیرفته شده، تفسیر مضیق است. در تأیید این تفسیر چنین استدلال شده است: «همان‌طور که صلاحیت هر دادگاه کیفری بین‌المللی عمدتاً تنها محدود به جرائم معینی است، اما صلاحیت دادگاههای ملی، با این محدودیت ذاتی مواجه نیست، بنابراین، جرائم داخل در صلاحیت دادگاه کیفری بین‌المللی شامل جرائم چهارگانه یاد شده است و شامل جرائم عام مثل قتل عمدی، سرقت و به‌طور کلی «جرائم معمولی» نیست. صلاحیت ذاتی

۱. another court

۲. این امر یکی از مصادیق تقارن صلاحیتهای بین‌المللی در سطح افقی است که از موضوع بحث خارج است.



دادگاه‌های ملی صرفاً متضمن جرائم معمولی است، مگر اینکه مقنن ملی، کنوانسیون‌های بین‌المللی مربوط به جرائم بین‌المللی (کشتار جمعی، جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی و تجاوز) را نیز تصویب کند [۱۴، ص ۷۲۴].

دلایل رسیدگی مجدد به وسیله دادگاه بین‌المللی به شرح زیر است:

اول) عدم تطابق با قانون آیین دادرسی لازم الاجرای بین‌المللی:

رسیدگی دادگاه ملی براساس مقررات دادرسی کیفری داخلی صورت می‌گیرد و بنابراین در چنین مواردی، چون رسیدگی و صدور حکم در این دادگاهها مطابق با قانون دادرسی لازم‌الاجرای بین‌المللی مندرج در مقررات شکلی اساسنامه‌های دادگاه‌های بین‌المللی و قواعد دادرسی و ادله^۱ نیست، محاکمه مجدد در دادگاه کیفری بین‌المللی فقط بر طبق قانون و آیین دادرسی بین‌المللی توجیه می‌شود.

این توجیه به استناد بند ۷ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مطرح شده است. این استدلال را نمی‌توان پذیرفت؛ زیرا ماده ۹ اساسنامه دادگاه بین‌المللی یوگسلاوی سابق در خصوص تعارض صلاحیتها در سطح ملی و بین‌المللی است و کاملاً با قاعده منع محاکمه و مجازات بین‌المللی مرتبط است، لکن مقررات منع تعقیب مجدد، مندرج در میثاق، ناظر به حقوق شکلی و ماهوی داخلی است. دادگاه بین‌المللی تنها زمانی حق تقدم در رسیدگی دارد که از دادگاه ملی بخواهد محاکمه را متوقف کند. اگر تقاضای دادگاه بین‌المللی اجابت نشود و دادگاه ملی خود رسیدگی کند، در این صورت می‌توان گفت که رسیدگی دادگاه ملی مطابق با قانون قابل اجرا در موضوع مورد بحث نیست، اما اگر دادگاه بین‌المللی حق تقدم خود را اعلام نکرده باشد، دادرسی ملی منطبق با قواعد و مقررات بین‌المللی است. دلیل دیگر بر بی‌اساس بودن توجیه عدم تطابق مقررات دادرسی ملی نسبت به مقررات دادرسی بین‌المللی برای تعقیب مجدد در دادگاه کیفری بین‌المللی، این است که اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی، دادگاه‌های ملی را به شروع رسیدگی به جرائم بین‌المللی (مطابق مقررات ملی) ترغیب می‌کند [۲۰، ص ۸-۳۲۷].

پروفسور «باسیونی» معتقد است که شرایط مندرج در بند «الف» و «ب» از بند دوم ماده ۱۰ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی موقت برای یوگسلاوی سابق باید در ماده ۹ پیش‌بینی می‌شد. «کریستف سافرلینگ» با نظر باسیونی موافق نیست؛ زیرا معتقد است ماده ۹ اساسنامه به دادستان حق درخواست تعویق تعقیب و رسیدگی اعطا کرده و این امر به موجب قواعد ۸ تا ۱۰ آیین دادرسی و ادله دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق مناسب به نظر می‌رسد. درخواست

۱. rules of procedure and evidence

تعویق تا زمانی قابل اجرا است که دادگاه ملی حکم صادر نکرده باشد. بنابراین بعد از صدور حکم نهایی توسط دادگاه ملی، دادستان مجاز است فقط تحت شرایطی که در ماده ۱۰ اساسنامه بیان شده، تعقیب را شروع کند [۲۰، ص ۳۲۸].

دوم) عدم توجه به جنبه مضموم جرم بین‌المللی

در مورد مجرمی که جرائم فجیعی^۱ را به عنوان جرم بین‌المللی مرتکب شده، دادگاه ملی باید در اجرای قانون داخلی خود، ملاحظات خاص بین‌المللی در باب جرائم را رعایت کند و الا نمی‌توان محاکمه او را عادلانه تلقی کرد. البته این دلیل نیز مشکلات و مسائل خاص خود را دارد؛ زیرا اولاً همیشه حد فاصل روشن و دقیقی بین جرائم ملی و بین‌المللی وجود ندارد و ثانیاً اگر فرض کنیم منظور شورای امنیت در ماده ۱۰ اساسنامه از استثنای جرم معمولی، عدم اعمال مجازات نسبتاً خفیف نسبت به مرتکبین جرائم بین‌المللی، توسط دادگاه ملی است، این نظر همیشه درست نیست؛ زیرا در بعضی از کشورها، مجازات قتل عمدی حبس ابد است (ماده ۲۱۱ قانون مجازات آلمان) و با شدیدترین مجازات مندرج در اساسنامه برابر است. بنابراین بند «الف» پاراگراف دوم ماده ۱۰ اساسنامه از نظر اصول حقوق بشر قابل توجیه نیست [۲۰، صص ۳۲۹-۳۲۸].

سوم) واقعی و عادلانه نبودن محاکمه صوری

بند «ب» پاراگراف دوم ماده ۱۰ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق از نظر موازین حقوق بشری قابل توجیه است؛ زیرا محاکمه صوری و نمایشی که در دادگاههای ملی صورت می‌گیرد منطبق با مقررات آیین دادرسی کیفری داخلی و بین‌المللی نیست و بنابراین چنین محاکمه‌ای واقعی محسوب نمی‌شود. تردید نیست که تشخیص نمایشی بودن محاکمه با دادگاه کیفری بین‌المللی است و در عین حال به پذیرش و همکاری دولتها نیاز دارد. از این رو تعقیب و صدور حکم در دادگاههای دیگر دارای اثر منع مطلق تعقیب در دادگاه کیفری بین‌المللی است و استثناً بر قاعده، یعنی محاکمه مجدد، وقتی محقق می‌شود که دادگاههای ملی جهت رسیدگی و صدور حکم اصول دادرسی را رعایت نکرده باشند.

۴-۲- احتساب مجازات^۲

در بند ۳ ماده ۱۰ و بند ۳ ماده ۹ به ترتیب از اساسنامه دادگاه بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و اساسنامه دادگاه بین‌المللی رواندا، قاعده احتساب یا کاهش مجازات^۳ ملحوظ شده است. مفهوم این

۱. heinous crimes

۲. accountability rule

۳. deduction



قاعده این است که دادگاه بین‌المللی باید در صدور حکم محکومیت مجدد و یا اجرای آن، مجازات تحمیل شده دادگاه ملی را در نظر بگیرد و از مجازات صادر شده کسر کند. این امر در اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی تصریح نشده است. به موجب بند ۲ ماده ۷۸، در صورت صدور حکم حبس، دادگاه (بین‌المللی) موظف است اگر محکوم علیه براساس تصمیم آن مرجع، مدتی را در بازداشت بوده آن را احتساب و از مهلت حبس کسر کند و همچنین دادگاه می‌تواند هر مدتی را که محکوم علیه به نحو دیگر (غیر از تصمیم دادگاه کیفری بین‌المللی) در باب با ارتکاب عمل مربوط به آن جرم در توقیف بوده نیز از مدت حبس وی کسر کند. قسمت دوم ناظر به قاعده کاهش مجازات است، اما به جای اعمال اجباری قاعده احتساب مجازات به صورت اختیاری تنظیم شده، زیرا در قسمت اخیر عبارت «می‌تواند کسر کند» آمده است [۲۵، ص ۴۸]. بنابراین دادگاه بین‌المللی مجاز است مجازاتی را که در خصوص همان رفتار تحمیل شده است کاهش دهد. این حمایت حداقلی اصول حقوق بشر که در اساسنامه‌های دادگاه‌های موقت و خاص به نحو آمره مطرح است، در اساسنامه رم به نحو الزام‌آور منظور نشده است [۱۴، ص ۷۲۴].

۴-۳- عفو^۱

جان دوگارد^۲ امکان تعارض صلاحیت دادگاه کیفری بین‌المللی را با کمیسیون تحقیق و سازش مورد بررسی قرار داده است. تصمیم کمیسیون ممکن است با عفو و بخشش همراه گردد، همان‌طور که چنین امری در قضیه آفریقای جنوبی مطرح شد. «دوگارد» بین رسیدگی‌هایی که به منظور حمایت و صیانت مقامات از مسؤولیت کیفری صورت می‌گیرد و رسیدگی‌هایی که در مراجع شبه قضایی صورت می‌گیرد تفاوت قائل است. در مورد اخیر، متهم ملزم به افشای کامل کشمکشها و مسائل مربوط به جرائم بین‌المللی به منظور استقرار مجدد صلح و امنیت است و تنها در این مورد مقام تعقیب مجاز است به نفع شخص مورد بحث از تعقیب صرف نظر کند، همان‌طور که در بند «ج» ذیل بند ۱ ماده ۵۳ اساسنامه آمده است [۲۹، ص ۷۰۳].

اما نظر «دوگارد» محل تأمل است؛ زیرا از یک طرف، دادستان تحت نظر شعبه مقدماتی عمل می‌کند و از طرف دیگر، چنین دیدگاهی در باب شرایط لازم برای اعمال عفو «موجه» متضمن مسائل و مشکلات اساسی است [۳۰، ص ۸۵۸]. در بند «ب» پاراگراف ۲ ماده ۴۲ پیش‌نویس سیراکیز^۳

۱. amnesty
۲. john dugard
۳. siracusa

که به وسیله کمیته خبرگان کمیسیون حقوق بین‌الملل (۱۹۹۴) تهیه شده چنین آمده: «براساس این اساسنامه، شخصی که به وسیله دادگاه دیگر برای جرائم مندرج در ماده ۲۰ محاکمه شده است، تنها در صورتی محاکمه خواهد شد که رسیدگی مشمول عفو، گذشت شاکی، آزادی مشروط نشده و سایر تخفیفها، بیطرفانه و مستقل نبوده یا طوری طراحی و سازماندهی شده باشد که متهم را از مسؤولیت کیفری بین‌المللی مورد حمایت قرار داده یا دعوا به‌طور مجدانه تحت تعقیب قرار نگرفته باشد» [۳۱، ص ۲۳]. این قسمت طرح، بحث برانگیزترین مذاکرات مربوط به مقررات منع محاکمه و مجازات مجدد بود و با مخالفت شدید در کنفرانس رم مواجه شد. مطابق اظهارات «جان هولمز»^۱، نمایندگان بعضی از کشورها این استدلال را مورد توجه قرار دادند که اساسنامه نباید طوری وضع شود که دادگاه مجاز به دخالت دادن ملاحظات سیاسی در اتخاذ تصمیم باشد و موجبات عفو را فراهم کند. سرانجام با حذف عبارت «...عفو و گذشت و آزادی مشروط و سایر تخفیفها...»، نمایندگان دولتهای شرکت کننده تصدیق کردند شخصی را که مشمول عفو شده می‌توان در دادگاه دیگر محاکمه کرد [۳۲، ص ۲۶۹].

البته در صورتی که در خصوص زمان اعمال عفو قائل به تفکیک شویم، موضوع عفو و ارتباط آن با قاعده منع تعقیب مجدد عالی قابل بررسی است. اگر عفو، قبل از رسیدگی یا در جریان رسیدگی (قبل از صدور حکم قطعی) اعطا شود به هیچ وجه مانع تعقیب و رسیدگی مجدد دادگاه بین‌المللی و صدور حکم براساس بند ۱ و ۲ ماده ۱۷ اساسنامه نیست؛ زیرا چنین عفوی اصولاً واجد وصف «حکم» نیستند و بنابراین نمی‌توانند مانع از رسیدگی مجدد دعوا توسط دادگاه کیفری بین‌المللی گردند؛ اما در مورد شخصی که قبلاً توسط دادگاه ملی محکوم و حکم صادره ابلاغ شده است و پس از آن، مشمول عفو یا آزادی مشروط واقع شده است، مسأله غامض و پیچیده می‌شود. بند ۳ ماده ۲۰ اساسنامه تنها طرق دادرسیهای کیفری غیرقابل قبول را مورد توجه قرار داده، ولی نسبت به تدابیر غیرقابل قبول اعمال شده پس از رسیدگی ساکت است. بنابراین باید با تفسیر موسع از واژه «رسیدگیها»، مندرج در بند ۳ ماده ۲۰ اساسنامه، این نوع عفو را نیز مانند محاکمات صوری توصیف کرد یا چنین توجیه کرد که در این مورد، یک منبع حقوق بین‌الملل عرفی برای جرائم داخل در صلاحیت دادگاه بین‌المللی وجود دارد که موجب لغو عفو دادگاههای دیگر می‌شود [۱۴، ص ۷۲۶-۷۲۷]. البته هیچ یک از دلایل یاد شده از پشتوانه حقوقی محکم و قاطع برخوردار نیست.

۱. john holms



۵- تضمین اجرای قاعده

بعضی از کشورها، مثل بلژیک، فرانسه، آلمان، ایتالیا، هلند، اسلوانی و اسپانیا، با تصویب قوانین داخلی در صدد همکاری قضایی با دادگاههای کیفری بین‌المللی موقت و تضمین اجرای قاعده برآمده‌اند. اجماع حقوقدانان^۱ اکثر دولتها بر این امر تعلق گرفته که دولتها، حتی اگر قانونی در این مورد تصویب نکرده باشند، ملزم به رعایت مفاد اساسنامه‌های دادگاه یوگسلاوی سابق و رواندا و قطعنامه‌های شورای امنیت و همکاری در این باره هستند [۱۵، ص ۷۲۸]. اگر دادگاه کیفری بین‌المللی خاص و موقت، جرمی را مورد رسیدگی قرار دهد و دادگاههای دیگر نیز همان افراد را به‌خاطر همان جرم تعقیب کنند و امکان تعویق رسیدگی در دادگاههای ملی میسر نشود، براساس قاعده ۱۳ از قواعد دادرسی و ادله، رئیس دادگاه بین‌المللی موقت مراتب را به شورای امنیت گزارش می‌کند و این شورا علیه دولت مستنکف تصمیم مقتضی اتخاذ خواهد کرد.

دادگاه کیفری بین‌المللی دائمی نیز به موجب بند ۵ ماده ۸۷ اساسنامه، می‌تواند با امضای توافقنامه‌هایی با هر یک از دولتهای غیر عضو، از آنها دعوت به همکاری کند. بنابراین دولتهای عضو و غیر عضو، برابر ماده ۸۶ اساسنامه و ماده ۲۶ کنوانسیون حقوق معاهدات وین (۱۹۶۹) ملزم به ایفای تعهدات، از جمله قاعده منع تعقیب مجدد هستند. در بند ۵ و ۷ ماده ۸۷ اساسنامه، ضمانت اجرای عدم همکاری و ایفای تعهدات، ارجاع امر به «مجمع دولتهای عضو»^۲ تعیین شده است و مجمع برابر بند «و» ماده ۱۱۲ بررسی لازم را به عمل می‌آورد. همچنین، در صورتی که مواردی جهت رسیدگی از طریق شورای امنیت به دادگاه ارجاع شود و دولتها همکاری لازم نکنند، دادگاه مراتب را به استناد ماده ۸۷ اساسنامه، به شورا گزارش می‌کند و این مرجع تصمیم مقتضی اتخاذ خواهد کرد [۱۵، ص ۷۳۱].

۶- نتیجه‌گیری

دهه آخر قرن بیستم را باید دهه پیشرفت و ارتقای کیفی و کمی حقوق کیفری بین‌المللی و دادگاههای کیفری بین‌المللی خاص، موقت و دائمی نامید که با کمترین ایرادات حقوقی مواجه است. شورای امنیت سازمان ملل متحد برای اولین بار با توجه به اختیارات حاصل از فصل هفتم منشور ملل متحد مبادرت به تصویب اساسنامه دادگاههای کیفری بین‌المللی موقت کرد، حال آنکه دادگاه کیفری

۱. opinio juris

۲. assembly of states parties

بین‌الملل دائمی با امضای ۱۳۹ عضو سازمان ملل متحد و تصویب حدود یکصد عضو ایجاد گردید. ماده ۹ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی موقت رواندا و ماده ۱۰ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی موقت یوگسلاوی سابق، و ماده ۲۰ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی رم مستند قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد است. در صورتی که دادگاه‌های ملی، نسبت به مفاد قاعده پایبند نباشند، مجمع عمومی دولتهای عضو و یا شورای امنیت رسیدگی کرده، تصمیم شایسته اتخاذ می‌کنند.

بررسی و مقایسه اساسنامه‌های دادگاه‌های کیفری بین‌المللی موقتی و دائمی، ظاهراً دلالت بر این دارد که قاعده در اساسنامه دادگاه‌های موقت از روشنی بیشتری برخوردار است و ابهامات کمتری نسبت به اساسنامه دادگاه دائمی دارد؛ زیرا در اساسنامه‌های دادگاه‌های موقت، استثنای «جرائم معمولی» یکی از جهات رسیدگی مجدد توسط دادگاه بین‌المللی است، حال آنکه در دادگاه دائمی «حمایت دادگاه ملی از متهم» به‌عنوان استثنای قاعده منع تعقیب مجدد پذیرفته شده است. حذف استثنای «جرائم معمولی» در اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی به لحاظ دلایل ماهوی و ذاتی نبوده، بلکه به سبب مبهم بودن مفهوم آن بوده است. هر چند هر دو عبارت تعریف نشده و دارای ابهاماتی است، ولی حذف جرم معمولی ممکن است موجب سوء استفاده دولتها واقع شود، به نحوی که اتهام اتباع خود را از مصادیق جرائم معمولی محسوب کنند و مرتکب را مستحق مجازات کمتر بدانند.

از لحاظ موازین حقوق بشر، ماده ۲۰ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی رم در مقایسه با اساسنامه‌های دادگاه‌های کیفری بین‌المللی موقت، نوعی تنزل و نقص محسوب می‌گردد؛ زیرا اصل احتساب مجازات اعمال شده در دادگاه‌های مذکور که به‌صورت اجباری پیش‌بینی شده بود در اساسنامه این دادگاه به صورت اجباری و آمره پیش‌بینی نکرده است.

برتری دادگاه کیفری بین‌المللی دائمی در مورد تعارض صلاحیت سطح عمودی نسبت به دادگاه‌های کیفری بین‌المللی موقت بسیار محدود است، زیرا این دادگاه بر مبنای اصل صلاحیت تکمیلی فقط در صورتی حق محاکمه دارد که دادگاه دیگر، اصول بیطرفی و استقلال را رعایت نکرده باشد یا به منظور مصونیت متهم از مسؤولیت کیفری عمل کرده باشد. با وجود این، تشخیص اینکه محاکمه در دادگاه‌های ملی با رعایت اصول دادرسی شناخته شده بین‌المللی صورت نگرفته با دادگاه کیفری بین‌المللی است. پس این امر حکایت از تفوق دادگاه کیفری بین‌المللی نسبت به دادگاه‌های ملی دارد. همچنین به دلیل عدم رعایت اصول دادرسی در دادگاه‌های ملی، اقدام دادگاه بین‌المللی در رسیدگی به موضوع، ناقض قاعده منع محاکمه و مجازات نیست.



به طور کلی، دادگاه کیفری بین‌المللی دائمی که در اساسنامه آن، قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد پیش‌بینی شده اولین مرجع بین‌المللی است که با امضا و تصویب اکثر دولتهای عضو سازمان ملل متحد ایجاد شده و از شائبه سیاسی کمتری برخوردار است؛ زیرا دولتهای عضو، خود اساسنامه را تنظیم، امضا و مآلاً تصویب کرده‌اند یا به آن ملحق شده‌اند و بنابراین، ضمانت اجرای بیشتری دارد. یقیناً پس از اجرای اساسنامه و عملیاتی شدن این دادگاه، راهکارهایی برای رفع ایرادات و ابهامات این قاعده توسط مجمع دولتهای عضو شناسایی خواهد شد.

۷- منابع

- [۱] U.S Constitution. Fifth amend. Henry Campbell black M.b. black's law dictionary. Abridged fifth edition. West Publishing. Co. ۱۹۸۳.
- [۲] Dr. zeidler, , Dr.H.C. Niebler,... , Principle of "Ne bis in idem" Under International Law. ۱۲ May ۱۹۸۷. www. ucl. ac. uk/laws/...
- [۳] The Law Commission (uk) Double Jeopardy, A Consultation Paper (Consultation Paper. No ۱۵۶ (۱۹۹۹) ۲). www. open gov.uk/law comm.
- [۴] C. Van Den Wyngaert (ed) Criminal Procedure Systems in the European community (۱۹۹۳)
- [۵] M.L. Fried land. Double Jeopardy (۱۹۶۹) .
- [۶] www. ICTR. Org/basic docs/ statute /html, www. law. Nyu.. Edu/kings buryb/
- [۷] www. un. Org/law / Icc / statute/ ۹۹ ... art. ۲۰
- [۸] www. un. Org/ Arabic
- [۹] Fedrico Martinez-Monge- The Principle of Complementarity and Certain Issues of Admissibility in the Rome Statute. www. upeace. org/resources/ thesis/ Martinez. Pdf.
- [۱۰] International Association of Penal Law. Newsletter-Carta Informative- ۲۰۰۱/۲
- [۱۱] پرالوس، میشل، «بررسی قاعده منع تعقیب مجدد در حقوق جزای بین‌الملل و حقوق جوامع اروپا» ترجمه: علی اوسط جاوید زاده، مجله حقوقی دادگستری، ش ۲۵، (۱۳۷۷).
- [۱۲] www.universal jurisdiction.info/index.

- [۱۳] A.p. v. Italy , Communication. No. ۲۰۴/۱۹۸۶ (۲November ۱۹۸۷). UN. Doc. CCPR/c/op/۲ (۱۹۹۰). Manfred Nowak, U. N. Covenant on Civil and Political Rights, CCPR Commentary, N.p. Engel, Arlington: ۱۹۹۳.
- [۱۴] Van Den Wyngaert And Tom Ongena ,N e bis in idem Principle Including The Issue of Amnesty, The Rome statute of the International Criminal Court Vol.۱. E dited by Antonio Cassesse, Paola gaeta, John R.W.D. Jones. Oxford University Press,(۲۰۰۲).
- [۱۵] Jose Luis La Cuesta, Concurrent National and International Criminal Jurisdiction and Principle Ne bis in idem, International Review of Penal Law, Vol. ۷۳)۲۰۰۳, Also see: ۷۰ International Review of Penal Law (۱۹۹۹)۹۰۸.
- [۱۶] Leila Nadia Sadat, Redefining Universal Jurisdiction, New England Law Review, Vol. ۳۵, No.۲, ۲۰۰۱,
- [۱۷] حسینی نژاد، حسینقلی، حقوق کیفری بین‌المللی، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۳.
- [۱۸] www. yale. edu / law web/ Avalon / int / proc/ intconst / thm. See II.
- [۱۹] A Guide to Human Rights, Institutions, standards, procedures, Jankz Symonides and Valadimir Wolodin. ۲۰۰۱ Unesco.
- [۲۰] Christoph. M safferling, Towards An International Criminal Procedure. Oxford University Press ۲۰۰۱.
- [۲۱] روزنامه شرق، ش ۱۴۹، پنج شنبه ۲۱ اسفند، نقل از B.B. C، ۱۳۸۲.
- [۲۲] UN Doc. S/۲۰۰۰/۹۱۵. www. un. org /docs.
- [۲۳] Micaela Frulli, The Special Court for Sierra leone: Some Preliminary Comments ejil (۲۰۰۰), Vol. ۱۱, No. ۴.
- [۲۴] International Criminal Court, overview www. un. org/law/ lcc/ generally overview. Html.
- [۲۵] International criminal court. Art. ۲۰ p ۱۱-۱۲, www. un. org/ law / icc/ statute.
- [۲۶] A/۵/۱۰(۱۹۹۶) www. un. org/ law //ilc/ docom fra. Htm.

- [۲۷] Report of the ad hoc committee on the establishment of an International criminal court. General assembly-Official Records: Fiftieth Session. supplement no. ۲۲(a/۵۰/ ۲۲) www.un. Org
- [۲۸] <http://sim.Law.uu.nl/sim/case law/ tribunal case number ICTR - ۹۸-۴۰-A>. see: Vanden Wynagert, supra note ۲۲.
- [۲۹] John Dugard, Possible Conflicts of Jurisdiction with Truth Commission, in *cassese, Gaeta/ jones Commentary, Vol. ۱*.
- [۳۰] Andreas L. Paulus, *Legalist Groundwork for the International Criminal Court: commentaries*, ejil ۱۴ (۲۰۰۳).
- [۳۱] <http://www.Juscrim.Mpg.de/forsch/ straf/ refrute/ sach/ his pint / siracusa>. Pdf. Sept. ۲۰۰۲.
- [۳۲] Diba Majzub, Peace or Justice? Amnesties And the International Court, *Melbourne Journal of International Law*. ۲۰۰۲ vol. ۳ at ۲۶۹-۲۷۰.